

تحت عنوان «منسوب به محل ... طبقه‌بندی نموده‌اند، ست‌سفته در محلهای مزبور تاکنون کاوشهای باستان‌شناسی انجام نیافته تا مدارک و شواهد کافی جمع‌آوری شود.

وی در همین زمینه تأکید کرد: با توجه به رشد جمعیت و به دنبال آن توسعه و گسترش سریع شهرها و نیز جاده‌ها و سدها، چنانچه در این راه گامی سریع برداریم غالب مکانهای مورد نظر را از دست خواهیم داد.

خانم کریمی سپس در مورد ویژگیهای سفال هر منطقه صحبت کرد و گفت: امروزه باستان‌شناسان به یک نوع قانونمندی در سفال پیش از تاریخ و تاریخی ایران معتقدند. به این معنی که سفال مناطق مختلف در ضمن ارتباطی که با یکدیگر دارند، در هر منطقه دارای ویژگیهای مشخصی هستند، این موضوع در سفال دوره اسلامی نیز صدق می‌کند و عامل حکومتی و مذهبی و اقتصادی در آن اثرگذار بوده است.

سفال دوره اسلامی ضمن حفظ مشترکاتی که در تمام سرزمینهای اسلامی معمول است، ویژگیهای منطقه‌ای خود را نیز دارد. در ضمن می‌توان گفت: سفال اسلامی مناطقی که دارای یک نوع تشکیلات مشترک هستند به یکدیگر نزدیکترند. برای مثال در سده‌های سوم و چهارم هجری سفال منطقه شمال شرق ایران که تحت فرمانروایی سامانیان بود، دارای مشخصات مشترک بودند، سفال مناطق مرکزی و جنوب غربی که آلبویه بر آنها تسلط داشتند شباهتهای بیشتری با هم دارند تا سفال منطقه شمال شرقی، این امر تا دوران متأخر نیز مشاهده می‌شود. به طور مثال در جزیره هرمز سفال رسمی دوره صفویه (سفال سفید و آبی) که در تمام این دوران و در تمام مناطق رواج داشته در کنار سفالهای ویژه منطقه جنوب شرقی ایران دیده می‌شوند.

*

گفتگو با: نوشین دخت نفیسی

موزه‌ها، جلوه‌گاه هنر و فرهنگ و صنعت و اعتقادات و باورهای اقوام گذشته هستند.

موزه‌ها آئینه عبرت و تجلی‌گاه ذوق و استعداد و خلاقیت و دانش مردمانی است که زمانی در این سرزمین با هر جای دیگر از این کره خاکی زندگی را به تجربه نشستند.

موزه‌ها شکوه تولد، صلابت جوانی و خوران زندگی را به نمایش می‌گذارند و عرصه وسیع تجربه و پند و اندرزند.

موزه‌داری و موزه‌آرایی، امروزه دانشی دقیق، هنری ظریف، وظیفه‌ای حساس، مسئولیتی خطیر و رسالتی ارزشمند است که تنها با پشتوانه علاقه، پشنگار، تجربه و کسب دانش تخصصی می‌توان به آن نزدیک شد.

دکتر نوشین دخت نفیسی یکی از صاحب‌نظران در مورد موزه و از موزه‌داران برجسته‌ای است که سالهای درازی از عمر خود را صرف تحقیق و تدریس این دانش نموده است.

دکتر نفیسی سال ۱۳۳۱ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه لیسانس در رشته باستان‌شناسی شد و سال ۱۹۵۵ میلادی از دانشگاه گلکته هندوستان در رشته



پیدایش موزه‌ها

خانم دکتر نفیسی در حوزه انقلاب سوم در سوزه‌ها



فرهنگ اسلامی درجه دکترا گرفت. وی دوره‌های تخصصی کتابداری را در یونسکو، روابط عمومی را در انگلستان و فرهنگ و ادبیات را در فرانسه به پایان برد.

دکتر نوشین دخت نفیسی حدود ۱۵ سال به عنوان کارشناس موزه در موزه ایران باستان مشغول به کار بود و از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۸ به عنوان مجری طرح موزه آبیگتبه انجام مسئولیت نمود.

خانم دکتر نفیسی در دانشگاه‌های تهران، هنر، فارابی و هنرهای تزئینی، درس باستان‌شناسی و موزه‌داری تدریس می‌کرد و اکنون در دانشگاه تربیت مدرس تدریس درس موزه‌داری را به عهده دارد. وی همچنین عضو هیئت مؤلفان دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و مجله ایران زمین است. از خانم دکتر نفیسی تاکنون مقالات متعددی در مجلات علمی و تخصصی منتشر شده که از جمله آنها مجموعه مقالات وی در مورد معرفی میناتورهای موزه ملی ایران در مجله هنر و مردم و مقالات دیگر در زمینه ایران‌شناسی است. ایشان کتابهای "باستان‌شناسی ایران در شرق باستان" و "تیمور و ابن خلدون" را ترجمه کرده که چاپ و منتشر شده است.

از خانم دکتر نفیسی که میهمان سازمان میراث فرهنگی کشور در گردهم آیی باستان‌شناسی شوش بود خواستیم تا در مورد پیدایش موزه‌ها در ایران و جهان و همچنین رشد و تکامل موزه‌داری در دنیا به صحبت بنشینیم و ایشان با سعه صدر دعوت ما را اجابت کردند و گزارشی که می‌خوانید حاصل این گفتگو است.

خانم دکتر نفیسی برای این مصاحبه موضوع "انقلابهای موزه‌ای" را انتخاب کردند و صحبت خود را در این زمینه دنبال نمودیم.

تاریخچه پیدایش موزه در جهان و روند تکاملی آن از یک مجموعه خصوصی تا مؤسسه‌های عظیم فرهنگی را می‌توان در طی سه مرحله یا به اصطلاح موزه‌داران سه انقلاب بیان نمود. البته انقلاب به آن معنا که در هر مرحله تحول بنیادی فرهنگی و اجتماعی ژرف اتفاق افتد.

اصولاً هسته مرکزی موزه‌ها را چه در غرب و چه در شرق مجموعه‌هایی تشکیل می‌دهد که به تدریج و بدون هدف خاصی شکل گرفته است. البته در این میان اماکن مقدس و پرستشگاه‌ها سهم بسزایی داشتند و از معروفترین آنها می‌توان پرستشگاه‌ها و خانقاه‌های بودایی "شوسومین" Shosomin در ایالت "نارا"ی (Nara) ژاپن و یا معابد یونان و گنجینه‌های ثنورات عیسویان در کلیساهای بزرگ کاتولیک را نام برد.

دکتر نفیسی در ادامه همین بحث گفت: در طی سالهای قرون وسطی در شرق و غرب ثروتمندان اقدام به گردآوری آثار هنری گرانبها و غیر معمول کردند. دانشمندان نیز کم‌کم مجموعه‌های مطالعاتی در زمینه گیاه‌شناسی و کانی‌شناسی و امثال آن را جمع‌آوری نمودند، ولی مردم به طور کلی از دیدن آنها محروم بودند؛ فقط بعضی از کلیساهای در ایام خاص و مراسم ویژه در گنجینه‌ها را به روی زوّار باز می‌کردند، سرداران رومی نیز گاهی غنایم را در پارکها به معرض نمایش می‌گذاشتند.

اما در دوره رنسانس به علت تحولات فکری به اشیاء تنها از جنبه مالی و مادی نگاه نمی‌کردند و کم‌کم به ارزش هنری و فرهنگی و علمی آنها نیز توجه می‌نمودند. از این پس اشیاء نه تنها نشانه ثروت بلکه سمبل هنر نیز بود و می‌توانست الهام بخش هنرمندان قرار گیرد. به این ترتیب اشیاء از مخفیگاه‌ها بیرون آمده و در تالارها جای گرفتند. اما هنوز تنها برای عده‌ای محدود قابل مشاهده بود.

*

گفت: اما انقلاب سوم در موزه‌ها پس از جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست. در عصر انقلاب الکترونیکی موزه‌داران با تز "موزه‌ها را به میان مردم ببریم" به تکنولوژی جدید ارتباطات مجهز شده و حتی اشیاء را به سخن گفتن با مردم واداشتند.

لطفاً در مورد تاریخ موزه و موزه‌داری در ایران نیز توضیح بدهید و تأثیر انقلابهای موزه‌ای را در سرزمین ما بیان کنید.

سیستم اجتماعی ایران و نابسامانی‌های تاریخی در آن باعث شد تا مجموعه‌هایی که به مناسبت‌های مختلف تشکیل شده بود، نتواند بيواسطه برای نسل‌های آینده حفظ شود. شبیه آنچه که درباره آرامگاه‌های مصری، خانقاه‌های بودایی و بنا پرستشگاه‌های یونانی گفته شد. اما به هر تقدیر سهم کوچکی از این آثار را که اکنون موزه‌های کشور در اختیار دارند با اعتلای علم باستان‌شناسی و کاوشهای علمی در محوطه‌های باستانی فراهم آمد.

ضمناً لازم می‌دانم به دقت‌های گرانها نیز که مردمان دوراندیش برای نجات از دست بیگانگان خصوصاً در دل کوه‌ها پنهان کردند، در اینجا اشاره کنم. گنجینه‌های مارلیک، کلورز و کلسا که به تازگی کشف شده است - و مجموعه بسیار گرانهای سفالی و آجیگه‌های سده بیانه هجری که اهالی گرگان به هنگام فرار از حملات مغول، در داخل حفره‌های بزرگ و چاه‌ها از دیده دشمنان پنهان کردند از این زمره است. فرمانروایان ایلخانی و تیموری و وابستگان آنها نیز در گردآوری آثار هنری اشتیاق زیادی از خود نشان می‌دادند و قطعاتی از آنها را به عنوان موقوفه به اماکن مقدس می‌سپردند. این اشیاء از جمله معدود آثاری هستند که تاکنون از گزند حوادث مصون مانده‌اند.

شاه عباس صفوی در زمینه گردآوری آثار هنری گذشته و معاصر خود و وقف آنها به آستانه‌های متبرکه سعی

از دکتر نوشین دخت نفیسی در مورد ایجاد اولین موزه‌های عمومی در جهان سؤال کردیم، موزه‌هایی که مردم هم به آن دسترسی داشتند و می‌توانستند از نزدیک مشاهده کنند.

دکتر نفیسی در پاسخ گفت: در سال ۱۶۸۳ میلادی مجموعه شخصی "آشولین" در شهر آکسفورد انگلستان به صورت موزه عمومی به روی مردم گشوده شد و در سال ۱۷۵۰ میلادی در قصر لوکزامبورگ قسمتی از مجموعه سلطنتی فرانسه به معرض نمایش گذاشته شد و بالاخره در سال ۱۷۹۳ میلادی بود که دولت جمهوری فرانسه موزه هنری لوور را افتتاح کرد و این خود نقطه عطفی در تاریخ موزه‌داری جهان به شمار می‌رود.

بنابراین نخستین انقلاب با "گشوده شدن مجموعه‌های خصوصی به روی همگان" انجام پذیرفت. انقلاب دوم با عنوان "روی آوردن مردم به سوی موزه‌ها" در سده نوزدهم میلادی در جهان صنعتی پدید آمد. پس از کشف و اختراع نیروی بخار و ایجاد کارخانه‌های صنعتی بزرگ در جوار شهرها و تأسیس راه آهن و خطوط ارتباطی، تحولی اجتماعی در غرب به وجود آمد که به نام انقلاب صنعتی مشهور شد.

انقلاب صنعتی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی را نیز در پی داشت. جوامعی که اقتصاد آنها کاملاً بر مبنای اقتصاد کشاورزی بود به جامعه صنعتی مبتدل شدند. روستاییان برای اشتغال در کارخانه‌ها به شهرها روی آوردند و قشر جدیدی در شهرها ساکن شدند و در این شرایط جدید موزه‌ها توانستند بخشی از اوقات فراغت مردم را پر کنند. بعدها بود که آموزش یکی از عملکردهای موزه‌ها قرار گرفت و کارکنان موزه‌ها از طریق آموزش، سعی به آشنا کردن مردم با مسائل مختلف هنری و فرهنگی نمودند.

خانم دکتر نفیسی در مورد انقلاب سوم در موزه‌ها

فراوان داشت و از ثمرات آن می‌توان از موزه آستان قدس رضوی، موزه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بخش اسلامی موزه ملی ایران نام برد.

دکتر نفیسی سپس افزود: خوب حالا برگردیم به موضوع اصلی سؤال و ببینیم که انقلابهای موزه‌ای در چه زمانی و چگونه در ایران به وقوع پیوست؟ "انقلاب اول" یا "گشودن درهای موزه‌ها به روی همگان" به یکصد و بیست و پنج سال پیش بازمی‌گردد. هنگامی که ناصرالدین شاه قاجار به پیروی از موزه‌های غرب دستور داد تا در شمال کاخ گلستان محلی برای موزه و سایر ملخقات آن را بسازند و مجموعه‌ای از آثار متنوع را در کاخ به معرض نمایش گذارند. این موزه که موسوم به "موزه همایونی" بود اولین موزه از نوع خود در ایران به حساب می‌آید. بنابراین تأسیس کنندگان آن هیچ تجربه و شناخت عمیقی از کارنداشتند و موزه همایونی بیشتر یک "انبار هنری" بود تا موزه. پس از مدتی هم مجموعه آن پراکنده شد و مجموعه سلاح‌های آن به موزه دانشکده افسری که در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی افتتاح شد، منتقل گردید و جواهرات آن هم به خزانه بانک ملی سپرده شد و در آنجا به موزه مجهز و مدرنی بدل گشت.

"موزه ملی" در سال ۱۲۹۵ هجری شمسی افتتاح شد و تعدادی از آثار عتیقه و به اصطلاح زیر خاکسای حفاریهای شوش در آن به نمایش گذاشته شد. اما نقطه عطف در تاریخ موزه‌های ایران افتتاح موزه ملی ایران (موزه ایران باستان سابق) است که در سال ۱۳۱۶ شمسی رسماً انجام گرفت. گرچه شروع ساختمان آن از سال ۱۳۱۲ آغاز شد. مجموعه آن از اشیاء "موزه ملی" سابق و آثار به دست آمده از حفاریهای علمی و همچنین انتقال بخشی از مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی شکل گرفت.

دو موزه آستان قدس رضوی و آستان حضرت معصومه در مشهد و قم نیز سال ۱۳۱۴ افتتاح شد. مجموعه موزه آستان قدس از ندورات شیعیان و هدایای شاه عباس که حداقل در سیصد سال گذشته گردآوری شده، به وجود آمد و اکنون بیشترین بازدیدکننده را در سطح کشور به خود اختصاص داده و در سطح بین‌المللی نیز از مشهورترین موزه‌های اسلامی است. در طی این شصت سال بر تعداد

موزه‌های کشور اضافه گشت و پس از انقلاب نیز بر تعداد موزه‌ها به سرعت افزوده شد.

دکتر نفیسی در مورد انقلاب دوم موزه‌ها در ایران گفت: انقلاب دوم یعنی "روی آوردن مردم به سوی موزه‌ها" در ایران بسیار کند انجام گرفته و می‌گیرد. در واقع ما هنوز در آغاز این مرحله هستیم. استفاده از موزه هنوز جایی در زندگی مردم ما باز نکرده است. رفتن به موزه را ما فقط بخشی از جهانگردی می‌دانیم. به نظر من نباید دست روی دست گذاشت و انتظار کشید تا مردم خودشان به سوی موزه‌ها بیایند، بلکه این وظیفه موزه‌داران است که آنها را جذب کنند. تجربه کاخ موزه‌های سعدآباد نمونه خوبی است و نشان می‌دهد که وجود پارکها جاذبه خوبی را برای بازدید از موزه‌ها ایجاد می‌کند.

البته من در این چند سال اخیر شاهد بوده‌ام که موزه‌داران جوان، اغلب به ابتکار شخصی برنامه‌های جالبی ترتیب می‌دهند تا انگیزه‌های لازم را برای مردم ایجاد کنند. ولی این فعالیتها پراکنده است و بایستی به صورت یک برنامه منظم انجام گیرد تا بازده و استفاده مطلوب را داشته باشد.

دکتر نفیسی در پایان اضافه کرد: کشور ما همان طور که از نظر اقلیمی چهار فصل نامیده می‌شود، از نظر فرهنگی نیز یک شبه قاره است با خرد فرهنگهای گوناگون. لذا مخاطبهای فرهنگی آن از جمله موزه‌ها، دارای نیازهای یکسان نیستند. بنابر این تنظیم برنامه‌های موزه باید فراخور محل باشد. همچنین باید در نظر گرفتن این نکته که جمعیت کشور ما جوان است و ۴۵ درصد آن کمتر از ۱۸ سال دارند، اولویت این برنامه‌ها باید به جوانان و نوجوانان داده شود. خصوصاً مخاطبین شهرهای کوچک و روستاها و در واقع اقشاری که نیاز کامل به شناخت هویت فرهنگی خود دارند، باید مطرح نظر واقع شوند.

از خانم دکتر نوشین دخت نفیسی به خاطر همکاری صمیمانه‌ای که در این مصاحبه نشان دادند و مطالب مفید و جالبی که ارائه نمودند سپاسگزاریم و انتظار داریم که در شماره‌های آینده نیز در مورد مبانی و مسائل مختلف موزه‌داری با ایشان به گفتگو بنشینیم و از رهنمودها و نظرانشان بهره ببریم.